

تکنولوژی تحمیل گرایانه خود را بر زندگی ما تحمیل کرده است / ما به سواد برای کاهش آسیب های اجتماعی نیاز داریم / تقویت فضای دیجیتال و جوامع محلی با هدف غلبه بر کمبود ها

دکتر ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در همایش ملی سواد آموزی در دنیای دیجیتال به مناسبت روز جهانی سوادآموزی در جمع مدیران و کارکنان سازمان نهضت سواد آموزی سخنرانی کرد .

دکتر ربیعی گفت : هفته خوبی را با روز جهانی سواد آموزی آغاز می کنیم و امیدوارم به برکت اعیادی که در آن به سر بردیم و پیش رو داریم با همت شما مسیری که سالهاست در کشور داریم بتوانیم با سرعت بیشتری بپیماییم و همچنین به علت پیچیدگی شرایط ، سرعت زیاد تحولات و نیز تحولات محیطی فوق العاده ای که وجود داشت بتوانیم با برنامه ریزی بر مسائلی که در ۳۰ یا ۴۰ سال گذشته داشتیم بر آنها غلبه بکنیم.

آیا فکر می کنید رابطه علی مستقیم بین سواد و تحصیلات وجود دارد یا نه؟ متغیرهای میانجی بسیاری باید باشند که تحصیل ما منجر به سواد شود . بنابراین یکی از مشکلات ما این است که تحصیل ، کمتر سواد به همراه دارد.

امروزه پیچیدگی های زیادی وجود دارد که چه کار کنیم تحصیل ما منجر به سواد شود . شاید میزان فارغ التحصیلان ما به نسبت جمعیت و جی دی پی (GDP) از بسیاری از کشورهای های توسعه یافته بیشتر باشد . بدون تردید نسبت دانشجویان مهندسی ما به نسبت جمعیت و جی دی پی مان از کشورهای توسعه یافته اروپایی و غربی بیشتر است .

سوال این است که چرا نمی توانیم چارچوب های توسعه را به راحتی طی بکنیم ؟ چرا دوران گذار ما آنقدر طولانی است؟ من فکر می کنم به سواد ربط دارد، سواد مسئله اصلی ماست. سواد و مهارت، ایفای نقش می کند. یعنی سوادی که مهارت برای ایفای نقش های متعدد بتوانیم داشته باشیم و امیدوارم بتوانیم این خلاء ها را پرکنند .

کدام متغیر های واسط و میانجی امروزی می توانند تحصیلات جامعه ما را رو به جلو ببرد ؟ به سواد که آسیب اجتماعی را کم کند ، به سواد که زندگی بهتر بیاورد، به سواد که زن و شوهر از هم طلاق نگیرند، به سواد که معتاد ما به علت آشفتگی روحی و روانی به سمت اعتیاد نرود، ما به این سواد نیاز داریم و در روز ملی مبارزه با بیسوادی برای جامعه باسواد فکر کنیم . البته برای تحصیل هم باید از پای

نشینیم، هر چند باز شدن دانشگاه و تاخیر ورود نیروی کار به بازار کار بدون اینکه سوادی به دست بیاورند همواره بوده است، اما باز هم قدر تحصیل را می دانیم. تحصیل را دنبال خواهیم کرد اما مساله اصلی به اعتقاد من سواد است. این موضوعی بود که می خواستم در ۸ سپتامبر طرح کنم.

موضوع بعد فضای دیجیتال و آموزش است. موضوعی که شما امروز بحث می کنید یعنی فضای دیجیتال و سواد. یکی خودش سواد استفاده از فضای دیجیتالی است و دوم فضای مجازی به عنوان محیط آموزشی، من فکر می کنم پرداختن به این مسئله از هر دو جنبه حائز اهمیت است وقتی سواد استفاده از فضای دیجیتال وجود نداشته باشد پس آنجا هم نوع مصرف به انحراف می رود.

من فکر می کنم این محیط ظرفیت های زیادی دارد که هم تحصیل و هم سواد را بتوانیم در آن بیشتر استفاده کنیم. خوشبختانه این تکنولوژی چه بخواهیم چه نخواهیم تحمیل گرایانه خود را بر زندگی ما تحمیل کرده است. از این جهت می گویم خوشبختانه که تقدم و تاخر استفاده از تکنولوژی مان کمتر شده ولی چگونه از این محیط مجازی برای آموزش استفاده کنیم؟

البته من به عنوان کسی که معلمی مختصری در این زمینه دارم نگاه منتقدی به فضای مجازی دارم و به رغم اینکه آن را لازم می دانم ولی اعتقاد دارم که باید از آن بهترین استفاده را بکنیم. متاسفانه بچه هایی که با فضای مجازی آموزش دیدند عمق شان بسیار کم است، بچه های پر از وسعت اطلاعات ولی بسیار کم عمق. مثل بچه های که قدیم جدول حل می کردند، اطلاعات گسترده داشتند ولی کم عمق، مثلا اسم کتاب را می دانستند ولی کتاب را نخوانده بودند، فضای مجازی عمق سواد را کم عمق می کند. شور و شوق استاد در آن نیست.

ما چگونه باید بیشتر فضای دیجیتال را ملموس کنیم که آن شور و هیجان در آن به وجود بیاید؟ من فکر می کردم بین خواندن کتاب و رمان و دیدن رمان در پرده سینما، دیدن رمان در تلویزیون باز با خود سینما متفاوت است. الان هم که سایتی هست که رمان را خلاصه می کند و صوتی می کند، این فضا ها خیلی متفاوت است، رمان در سینما در تلویزیون، و احساسی که بچه با خواندن ژول ورن به فضا و به دریا و به عمق بدن انسان می رفت متفاوت بود.

من اولین کتابی که از کانون پرورش فکری گرفتم ژول ورن بود، احساسی که از رفتن به ماه و عمق دریا داشتم. با دیدن فیلم متفاوت است. با گالیور سفر که می کردیم متفاوت بود، با اینکه در قالب فیلم و سینما بینوایان را بارها دیدیم اما قطعا "خواندن کتاب آن فرق می کرد، مزه دیگری داشت، اما فضای دیجیتال آن مزه را از ما می گیرد و بی مزه می کند، رمان و خواندن من با شما فرق دارد شما دلتان برای ژان والژان

می سوخت من دلم برای بازس ژاور، خیلی قانونمند بود، چرا ما باید از افراد قانونمند متنفر باشیم؟ اما من هم دلم برای ژان وال ژان می سوخت و دلم می خواست او هم برای آن تلاش و کاری که می کرد برسد. خیلی فضاها فرق می کند، قصه هایی که بچه ها می خواهند در فضای دیجیتال گوش کنند ، قطعاً آن احساسات به آنها دست نمی دهد. هر چند ما به این فضا نیاز داریم و زمان دارد فشرده تر می شود، فضا دارد دچار از جا کندگی می شود و در این فشردگی زمان ما به فضای دیجیتال نیاز داریم.

نمی دانم شما این حس را دارید یا نه؟ شما به مدرسه بچگی تان رفتید. الان چقدر کوچک است. دیدید چقدر قدیم بزرگ بود، چقدر زمان زیادی می آمد، صبح شب نمی شد، زمان ها الان به خاطر فضای دیجیتال فشرده شده است.

روزی ورودی ذهنم ده واحد اطلاعات بود و زمان طولانی بود، امروز ورودی ذهنم در هر دقیقه هزاران اطلاعات است، به خصوص گوشی تلفن من که پر از خبر منفی و بد است و کسی خبر بدی در مورد من می خواند احساس می کند باید بفرستد. یک خبر را صد بار می خوانم ولی زمان فشرده شده و من ناچارم از این وسیله استفاده کنم.

این ناچاری است که من اجازه می خواهم در جمع آموزش و پرورش ها در روزی که داریم راجع به سواد دیجیتال حرف می زنیم، برگردیم به سواد با بوی کتاب ، برگردیم به ورق کاهی و با هم آنجا قصه های چارلز دیکنز را حس کنیم، این را نباید از بچه ها بگیریم.

علیرغم انتقادهایی که دارم، ما همیشه در خانه هایمان گرد می نشستیم، این تلویزیون نشستن ما را شکل یو کرد، همین جور شکل یو شدیم، باز هم در کنار نگاه کردن تلویزیون چهار کلمه حرف می زدیم، تلویزیون ما را تنهاتر کرد و شکل نشستن ما را در خانه از چهره به چهره تغییر داد، امروز که دیگر هر بچه ای یک تبلت در دست دارد. نوه سه ساله من در تبلت از من وارد تر بازی می کند ، همه تنهاتر شدند، امروز گوشی ها به طور عجیبی ما را تنهاتر کرده و همه اینها ناشی از همین فضای دیجیتال و زندگی بی مزه است.

نکته دیگر سواد و مسائل اجتماعی است، شاید برای شما عجیب باشد وقتی راجع به طلاق مطالعه کردیم، علت اول طلاق امروز در ایران فقر و بیکاری نیست، علت اولش سواد زندگی است، با هم بلد نیستیم زندگی کنیم، فقر و بیکاری علت چهارم در طلاق است، علت اول سواد ارتباطی است، علت دوم یا سومش، سواد رابطه جنسی بود، شاید در گذشته رابطه معناداری بین حاشیه نشینی و فقر داشت ولی امروز نوعی اعتیاد ناشی از بی معنایی زندگی ، رواج پیدا می کند نوعی نا امنیت روانی است.

ما سواد زندگی کردن و لذت بردن از جامعه را نداریم. من لذت و بهجت را جدا می دانم، سطح نازل تر بهجت، لذت را می گویم، ما مهارت زندگی راحت را نداریم، بخشی از اعتیادها امروز دلیلش این است، ما به سواد بیش از گذشته برای حل مسایل اجتماعی نیاز داریم، سواد فقط برای توسعه و تولید نیست، هر چند برای تولید بیشتر به سواد نیاز داریم.

ما سالانه ۷۰۰ هزار میلیارد تومان باید سرمایه گذاری کنیم و شاید ۲۰ تا ۳۰ درصد این ناشی از افزایش مهارت و سواد باید به دست بیاید نه با پول. ما سواد یا مهارت به اندازه ۳۰ درصد کسر ۷۰۰ هزار میلیارد تومان را در کشور نداریم. ما به سواد برای کاهش آسیب های اجتماعی نیاز داریم، به سواد برای زندگی بهتر، حرکت روان تر در جامعه نیاز داریم.

نکته آخر من در مورد سواد دیجیتال و بازماندگی از تحصیل است که من فکر می کنم باید از فضای دیجیتال در توانمند سازی بیشتر استفاده کرد، خوشبختانه ۳۰۰ مرکز توانمند سازی سازمان آموزش و پرورش طراحی کرده در حاشیه ها در روستاها، حتی در جاهایی که مثل زندان افراد شکل های خاصی از زندگی را تجربه می کنند، ما در نقش مجامع محلی در فقر زدایی و ایجاد توانمند سازی داریم بیشتر حرکت می کنیم، از فضای دیجیتال به علت اینکه امکانات مان کم است می توانیم بیشتر استفاده کنیم، فضای دیجیتال و جوامع محلی را می توانیم تقویت کنیم تا بر کمبود های خودمان غلبه کنیم. ما باید از فضای دیجیتال استفاده کنیم، همان طور که سینمای سه بعدی امروز حس دیدن فیلم را بیشتر به شما می دهد، از فضای دیجیتال باید بیشتر به سمت سواد استفاده کنیم و خوشبختانه امروز بازماندگی از مدرسه در کشور کمتر شده و وضع ما بهتر می شود.

در اینجا یاد برادر گرانقدر دکتر فانی را گرامی می داریم، روزی که صحبت کردیم از بازماندگی از تحصیل و کار را شروع کردیم و به مناطق رفتیم، دو هفته پیش که من در بوشهر بودم، استاندار گفت ما فقط ۸ نفر را پیدا نکردیم، از بچه کلاس اولی ۸ نفر را پیدا نکردیم.

علتش کمی فرهنگی است، ممکن است دختران را به مدرسه نفرستند، یکی معلولیت است، مهاجرت است و علت فقر هم در آن هست و ما تلاش های زیادی کردیم، امروز ما ۳۵ هزار کلاس اولی داریم که نتوانستیم پیدا شان کنیم و تا کلاس ششم روی هم رفته ۱۴۰ هزار نفر هستند، و ما می توانیم با یک برنامه ریزی بگوییم فقر آموزش را کلاً از بین بردیم و این عدد بسیار خوبی است، خوشبختانه در دولت یازدهم ما از ۱۰ میلیون و ۳۰۰ هزار بیسواد به ۸ میلیون و ۷۰۰ هزار بیسواد رسیدیم که البته مهمانان افغانی ما هم در بین آنها هستند و شاید ۵۰ درصد اینها مهمانان افغانی باشند، حدود ۴ میلیون نفر از اینها

همچنین برای افغانی ها در دولت تصویب کردیم که حتی کسانی که مجوز ندارند بتوانند بچه هایشان به مدرسه بروند، برای بچه های مادر ایرانی، دادن هویت ایرانی را تصویب کردیم و در حال گذراندن مراحل آخر است و این هم کمک زیادی به زندگی بهتر و با سواد بچه ها می کند. همچنین کار مشترکی را با آموزش و پرورش انجام دادیم ، ۳۵ جلد کتاب که امروز از آن هم در کار مشترک مان رونمایی می شود ، و من امیدوارم که کار مشترک مان را ادامه دهیم تا روزی که همه ایرانی ها با سواد و دانش زیاد، با رنج کمتر، زندگی بهتر را تجربه کنند.